

استر باب 9

یهودیان دشمنان خود را نابود می‌کنند

1 روز سیزدهم ادار، روزی که باید نخستین فرمان پادشاه اجرا می‌شد و دشمنان یهودیان در آرزوی شکست کامل آنها بودند، فرا رسید. اما اوضاع تغییر یافت و یهودیان بر دشمنان خود غالب شدند. 2 در تمام شهرها و استانها، یهودیان برای حمله به کسانی که در صدد آزار آنها بودند جمع شدند و هیچ‌کس جرأت نداشت در برابر آنان بایستد، چون در همه‌جا مردم از آنها می‌ترسیدند. 3 تمام افسران ایالتی، حاکمان، والیان، و اهل دربار، همه به یهودیان کمک می‌کردند، چون آنها از مردخای می‌ترسیدند. 4 مردخای در سرتاسر مملکت مشهور شد، زیرا شخص مقتدری در دربار پادشاه بود و قدرت او روز به روز بیشتر می‌شد. 5 پس یهودیان می‌توانستند هرطوری که بخواهند با دشمنان خود رفتار کنند. آنها با شمشیر بر دشمنان خود حمله می‌کردند و همه آنان را می‌کشتند.

6 تنها در پایتخت، یعنی در شهر شوش، یهودیان پانصد نفر را کشتند. 7-10 و ده پسر هامان پسر همداتا دشمن یهودیان به نامهای فرزنداطا، دلفون، اسفانا، فوراتا، ادلیا، اریداتا، فرمشتا، اریسای، اریدای، یزاتا در بین کشته‌شدگان بودند. ولی اموال کسی را غارت نکردند.

11 تعداد کشته‌شدگان در شهر شوش همان روز به اطلاع پادشاه رسید. 12 سپس پادشاه به استر ملکه گفت: «تنها در شهر شوش یهودیان پانصد نفر از جمله ده پسر هامان را کشته‌اند. معلوم نیست در سایر استانها چند نفر را کشته‌اند. آیا خواهش دیگری هم داری؟ هرچه بخواهی به تو می‌دهم. حالا بگو که چه می‌خواهی تا به تو بدهم.»

13 استر در پاسخ گفت: «اگر اعلیحضرت موافق باشند به یهودیان در شهر شوش اجازه داده شود فردا هم همین کار را انجام دهند و ده پسر هامان را به دار بیاویزند.» 14 پادشاه امر کرد که درخواست او عملی شود و فرمان لازم در شهر شوش اعلام شد. اجساد پسران هامان به تماشای عموم گذاشته شد. 15 در روز چهاردهم ادار باز یهودیان جمع شدند و سیصد نفر دیگر را نیز در آن شهر کشتند. اما باز هم اموال کسی را تاراج نکردند.

16 یهودیان در سایر استانها نیز خود را سازماندهی کرده از خویشان دفاع نمودند. آنها هفتاد و پنج هزار نفر از دشمنان خود را کشتند و خود را از دست آنان خلاص کردند. ولی مال هیچ‌کس را غارت نکردند. 17 این کشتار در روز سیزدهم ادار رخ داد. روز بعد، یعنی روز چهاردهم هیچ‌کس کشته نشد و آنان آن روز را به جشن و شادی اختصاص دادند.

18 یهودیان شوش، روز پانزدهم را جشن گرفتند، چون آنها روزهای سیزدهم و چهاردهم مشغول کشتن دشمنان خود بودند. روز پانزدهم از کشتن دست کشیدند. 19 به این دلیل است که یهودیان ساکن مناطق روستایی روز چهاردهم ماه ادار را جشن می‌گیرند و به یکدیگر غذا هدیه می‌دهند.

جشن پوریم

20 مردخای این وقایع را ثبت نمود و نامه‌هایی به تمام یهودیان در سرتاسر استانهای پارس فرستاد 21 که به آنان می‌گفت هر ساله روزهای چهاردهم و پانزدهم ادار را جشن بگیرند. 22 اینها روزهایی هستند که یهودیان از دست دشمنان خود رهایی یافتند و در این ماه بود که غم و غصهٔ آنان به خوشی و سوگواری آنها به جشن تبدیل شد. پس آنها باید این روز را جشن بگیرند و به یکدیگر و به فقرا غذا هدیه بدهند. 23 یهودیان از امر مردخای اطاعت کردند و از آن به بعد، همه ساله این روز را جشن گرفتند.

24 هامان پسر همداتای اجاجی و دشمن قوم یهود برای نابودی یهودیان قرعه (که آن را «پوریم» می‌گفتند) انداخته بود که در کدام روز کشته شوند. 25 اما استر به حضور پادشاه رفت و پادشاه فرمانی صادر کرد که به موجب آن هامان گرفتار همان سرنوشتی شد که برای یهودیان در نظر گرفته بود، یعنی او و پسرانش به دار آویخته شدند. 26 به این دلیل آن ایام را پوریم می‌نامند که معنی آن «فال یا قرعه» است. یهودیان به خاطر نامه‌هایی که مردخای نوشته بود و همچنین به دلیل آنچه که برای خودشان اتفاق افتاده بود، 27 این را رسم خود قرار دادند که خود و فرزندانشان و همچنین کسانی که به دین یهودی می‌گروند، همه ساله این دو روز را طبق امر مردخای جشن بگیرند. 28 بنابراین، قرار بر این شد که تمام خانواده‌های یهودی، نسل در نسل، در هر شهر و دیاری که باشند این روزها را به یاد آورده، جشن بگیرند.

29 آنگاه ملکه استر، دختر اییحایل، با استفاده از اختیارات و قدرتی که به عنوان ملکه داشت، نامهٔ مردخای را مبنی بر برگزاری دایمی مراسم پوریم تأیید کرد. 30 نامه خطاب به همهٔ یهودیان بود و نسخه‌های آن به یکصد و بیست و هفت استان در شاهنشاهی پارس فرستاده شد که خواهان صلح و آرامش برای یهودیان بود. 31 و از آنها و فرزندانشان درخواست شده بود همان‌طور که مراسم روزه و سوگواری را رعایت می‌کنند، ایام پوریم را نیز برگزار نمایند. این از جانب مردخای و استر امر شده بود. 32 دستور استر در مورد تثبیت قوانین مربوط به پوریم بر روی طومار نوشته شده بود.